

جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری**

حمید رضایی^{۱*} ابراهیم ظاهری عبده‌وند^۲

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۷)

چکیده

بررسی ضرب‌المثل‌ها در شناخت جنبه‌های مختلف فرهنگ مردم نقش مؤثری دارد؛ زیرا در آن‌ها، فرهنگ هر قوم و ملتی به‌تصویر کشیده می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی خانواده و جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های بختیاری با رویکرد نقد فمینیستی است. در ضرب‌المثل‌های بختیاری زن گاه جایگاه فرادست، گاه فرودست و گاه برابر با مردان دارد. وقتی سخن از مسائل درون خانه و حیطة خصوصی به‌میان می‌آید، زن موجودی قدسی و فراتر از مرد است و در ضرب‌المثل‌هایی که از حیطة عمومی و جایگاه اجتماعی افراد بحث می‌شود، زن جایگاه فرودستی نسبت به مردان دارد. در ضرب‌المثل‌هایی که از مسائل عام زندگی سخن گفته می‌شود، جایگاه زنان با مردان برابر است. همچنین در بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها، نگاه مردسالارانه حاکم است و اندیشه‌های مطلوب جامعه مردسالار برای

** این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با اعتبارات دانشگاه پیام‌نور انجام شده است.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)

* faanid2003@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

زنان نهادینه می‌شود. ازدواج، مذموم‌شمردن چندهمسری، شناخت همسر پیش از ازدواج، نحوه شناخت همسر و وظایف زوجین، از جمله مسائل مربوط به خانواده هستند که در مثل‌های بختیاری انعکاس یافته‌اند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ بختیاری، ضرب‌المثل، فمینیسم، زن، خانواده.

۱. مقدمه

یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ هر ملتی، فرهنگ عامه است که «مجموعه‌ای از دانستنی‌ها، اعمال و رفتاری [است] که در بین عامه مردم بدون در نظر گرفتن و حتی بدون وجود فواید علمی و منطقی آن سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل به صورت تجربه به ارث رسیده است» (روح‌الامینی، ۱۳۸۲: ۲۲۶). ادبیات شفاهی و عامه شامل اسطوره‌ها، ترانه‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها و از جمله ضرب‌المثل‌هاست. ضرب‌المثل:

جمله‌ای است کوتاه، استعاری، برگرفته از تجربیات روزانه، با مضمونی حکیمانه، حاوی اظهارنظر یا عقیده‌ای کلی و پندآمیز که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنی و موسیقی کلام میان مردم مشهور شده و آن را با تغییر جزئی یا بدون تغییر در گفتار خود به کار می‌برند و به آن استناد می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

ضرب‌المثل‌ها منبع مهمی برای مطالعات مردم‌شناسی هستند؛ زیرا با مطالعه آنها بسیاری از اطلاعات مربوط به فرهنگ‌های مختلف حفظ و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. مثل‌ها:

یک نوع رده‌شناسی خاص از الگوهای تفکر محسوب می‌شوند که با استفاده از آنها می‌توان بسیاری از ایده‌های راجع به اینکه افراد هر جامعه چگونه فکر می‌کنند، مفاهیم را درک و پدیده‌های جهان را دسته‌بندی می‌کنند، استخراج کرد و به این نکته پی‌برد که چگونه دانش سنتی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (زاهدی و ایمانی، ۱۳۹۱: ۸۲).

مثل‌ها نشانگر رفتارهای بهنجار، نابهنجار و ارزش‌های ضد اجتماعی هستند که مردم آنها را پذیرفته‌اند و یا رد کرده‌اند؛ از این رو، بیش از ادبیات مکتوب و شعر و نثر،

نشان‌دهنده اندیشه‌های اجتماع هستند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳). یکی از موضوعات مهم انعکاس‌یافته در مثل‌ها، خانواده و مسائل مربوط به زنان است. در این گونه ادبی، هم از نقش‌های مثبت زنان سخن گفته می‌شود، هم از صفات منفی آنان. همچنین با بررسی مثل‌های هر قوم می‌توان نگرش آنان را نسبت به زنان، بررسی کرد و فهمید هر فرهنگ چه انتظاراتی از زنان دارد و چه مسائلی از خانواده برای آن مهم است. با توجه به اهمیت مثل‌ها در شناخت جنبه‌های مختلف زندگی و خانواده، هدف این پژوهش آن است که به بررسی خانواده و نقش زنان در ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری با رویکرد نقد فمینیستی بپردازد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره نقش و جایگاه زن در مثل‌های بختیاری، تاکنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ اما درباره جایگاه زن در مثل‌های دیگر فرهنگ‌ها، پژوهش‌هایی انجام شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی»: مؤلفان در این مقاله به بررسی میزان استفاده از ضرب‌المثل‌های جنسیتی در بین مردم تهران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان کاربرد این نوع مثل‌ها کم است (ر.ک: معصومی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

۲. «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیلی انتقادی گفتمان»: مؤلفان به این نتیجه رسیده‌اند که مناسبات قدرت نه‌تنها بین زن و مرد برابر نیست؛ بلکه بین خود زنان نیز با توجه به جایگاه اجتماعی‌شان به صورت برابر توزیع نشده است و نابرابری جنسی دیده می‌شود (ر.ک: زاهدی و ایمانی، ۱۳۹۱: ۸۱).

۳. «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی»: بنابر این مقاله «ضرب‌المثل‌ها عرصه تولید بازنمایی یک نظام معنایی بسیار متنوع و چندبعدی در رابطه با زنان است که نمی‌توان با کاربرد رویکرد اتیک و روش‌های عینیت‌گرا آن‌ها را درک کرد» (ر.ک: محمدپور و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۰).

افزون براین، آثاری نیز درباره نقش زنان در فرهنگ بختیاری نگاشته شده است، از جمله رضایی و ظاهری (۱۳۹۲: ۲۵۷) در مقاله «تصویر زن در قصه‌های عامه فرهنگ بختیاری» به بررسی مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان در قصه‌های بختیاری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر دغدغه‌های زنان در مسائل فرهنگی است تا سیاسی و اقتصادی. در آثاری همچون *درباره ایل بختیاری* از بهرام احمدیان، *فرهنگ سیاسی عشایر جنوب ایران* از عبدالعلی خسروی و *جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری* از عباس قنبری نیز به مسائل زنان در فرهنگ بختیاری اشاره شده است.

۳. روش تحقیق

یکی از روش‌های مهم پژوهش در حوزه مطالعات فولکلورشناسی، روش کیفی است؛ زیرا این نوع مطالعات ذهنی، نمادین، توأم با نشانه‌ها و معنی‌سازی و معنی‌داری است (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۱۱). در این پژوهش نیز از روش تحلیل کیفی محتوا استفاده شده است. براساس این روش، می‌توان متون مختلف در زمان گذشته را بررسی کرد و به خصوصیت اجتماعی - فرهنگی آن زمان پی‌برد (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

مهم‌ترین سؤال‌های پژوهش این است که در ضرب‌المثل‌ها بختیاری، چه جایگاهی برای زنان در نظر گرفته شده است؟ مهم‌ترین مسائل خانوادگی انعکاس یافته در ضرب‌المثل‌ها کدام‌اند؟

۴. مبنای نظری پژوهش

مبنای نظری این پژوهش، نقد فمینیستی است. به نظر برخی «هیچ تعریف جامع و واحدی از فمینیسم وجود ندارد» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۸۸). فمینیست جنبش فکری یکپارچه‌ای نیست؛ بلکه گرایش‌های متفاوت دارد که ویژگی مشترک تمام آن‌ها، این است که معتقدند در جامعه مردان به زنان ستم می‌شود. از نظر آن‌ها، زنان زیر سلطه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردان هستند و زن «دیگری» شمرده می‌شود؛ بنابراین

خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی برابر، برای زنان با مردان هستند. جنبش فمینیسم گرایش‌های متفاوتی دارد؛ از جمله لیبرال‌فمینیست. این گروه «خط فکری را مشخصاً با این داعیه پی‌گیری می‌کند که زنان به‌طور بنیادین با مردان تفاوت ندارند و با وجود این، به‌خاطر جنس ایشان از بسیاری از فرصت‌ها محروم می‌شوند» (سیبلی، ۱۳۸۵: ۸۸). به اعتقاد لیبرال‌فمینیست‌ها، نابرابری نه به‌سبب تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس، بلکه ناشی از موقعیت‌های نابرابر اجتماعی است. این گرایش خواهان اصلاح جامعه است تا زنان به فرصت‌های برابر با مردان در جامعه دست یابند.

هسته مرکزی عقاید فمینیست‌های رادیکال/ انقلابی این است که نابرابری‌های جنسیتی محصول یک نظام مقتدر مردسالار و مهم‌ترین شکل نابرابری اجتماعی است. به نظر این گروه، هر نوع نظام سلطه مردانه را همواره نوعی تقسیم کار جنسی تقویت و تحکیم می‌کرده است (آبوت و والاس، ۱۳۸۷: ۹۳).

گرایش دیگر، رادیکال‌فمینیست‌ها هستند که ریشه ستم بر زنان را جنس آنان می‌دانند. آن‌ها خصلت‌های زنانه را نشانه برتری زنان می‌دانند و آنان را به جدایی‌طلبی از مردان تشویق می‌کنند. براساس این دیدگاه، آنچه مورد نیاز است اتحاد و یکپارچگی زنان برای رهایی از سلطه مردان است. آزادی جنسیتی زنان از سلطه مردان و به تبع آن نفی ازدواج همچون سستی اجتماعی، که زمینه‌ساز سلطه مردان بوده، از نکته‌های مورد توجه در این گرایش است (باقری، ۱۳۸۲: ۴۰-۴۱).

مارکسیست‌فمینیست‌ها با پیروی از آثار کارل مارکس، ریشه نابرابری و ستم مردان بر زنان را در توزیع نابرابر منابع ثروت می‌دانند. از نظر آن‌ها، زنان در هر طبقه‌ای نسبت به مردان قدرت و منزلت کمتری دارند که این امر در نظام سرمایه‌داری ریشه دارد. سوسیال‌فمینیست جنس و طبقه اقتصادی را سبب ستم بر زنان می‌داند و با «طرح نظام دوگانه (سرمایه‌داری و مردسالاری) از میان رفتن نابرابری را تنها به از میان رفتن سرمایه‌داری و ستم سرمایه‌داری محدود نمی‌کند؛ بلکه بر فروپاشی مردسالاری نیز تأکید دارد» (اعزازی، ۱۳۸۵: ۷).

یکی از زمینه‌های مورد انتقاد فمینیست‌ها، فرهنگ عامه است. افزایش توجه به حضور زنان در فرهنگ عامه، در حوزه مطالعات فرهنگی از نتایج تجدید حیات وسیع‌تر نظریه فمینیستی است. براساس این نقد، فرهنگ عامه شکلی از ایدئولوژی پدرسالاری است که به نفع مردان و به ضرر زنان است (تمیم‌داری، ۱۳۹۳: ۴۱). تاکمن یکی از منتقدان در این زمینه به «فنا‌ی نمادین» زنان معتقد است؛ بدین معنی که زنان در فرهنگ عامه و به‌خصوص در رسانه‌ها، در حاشیه قرار گرفته‌اند و منافع آن‌ها ناچیز شمرده شده است. به اعتقاد او، این نظر با فرضیه «بازتاب» در ارتباط است که بنابر آن رسانه‌ها، ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه را منعکس می‌کنند (استریناتی، ۱۳۹۲: ۲۴۲-۲۴۳).

این ارزش‌ها نه به اجتماع واقعی بلکه به «بازتولید نمادین» اجتماع، یعنی به نحوی که جامعه میل دارد خود را ببیند، مربوط هستند. تاکمن معتقد است که اگر موضوعی به این صورت متجلی شود، فنا‌ی نمادین صورت می‌گیرد: محکوم‌شدن و ناچیز به حساب آمدن و یا عدم حضور که به معنی فنا‌ی نمادین است (همانجا). در این پژوهش، ضرب‌المثل‌های فرهنگ بختیاری با این رویکرد نقد و بررسی می‌شوند که چگونه حضور زن در اجتماع را نادیده می‌گیرند و چگونه از این طریق، از زنان خواسته می‌شود در خانه محصور باشند.

۵. جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های بختیاری

در ضرب‌المثل‌های بختیاری سه نگرش درباره زنان وجود دارد: در برخی از ضرب‌المثل‌ها، زنان مقامی پایین‌تر از مردان دارند و نگرشی منفی نسبت به آن‌ها دیده می‌شود. در برخی دیگر، زنان مقامی فراتر از مردان می‌یابند و نگرش به آن‌ها مثبت است و گروهی از مثل‌ها، نشان‌دهنده مقام برابر زنان با مردان در فرهنگ بختیاری است. این سه نگرش با رویکرد نقد فمینیستی بررسی می‌شوند:

۱-۵. فرودستی زنان

هنگامی که در ضرب‌المثل‌ها سخن از جایگاه اجتماعی افراد به میان می‌آید و مباحث حوزه اجتماعی و عمومی طرح می‌شود، به فرودست‌تر بودن جایگاه اجتماعی زنان اشاره می‌شود. معمولاً در این مثل‌ها، زنان جنس فرودست و مردان فرادست شمرده می‌شوند؛ چنان‌که در مثل: «دنیا که انگل و نگل و نگل صلا پیایل دست زنگه» (برگردان: دنیا که به هم ریخته (نظمش به هم خورده)، اختیار به دست زن‌هاست) (قنبری، ۱۳۸۱: ۳۸۰) به این موضوع اشاره شده است. در جامعه‌ای که اختیار امور به دست زنان باشد، هنجارهای جامعه مردسالار به هم می‌خورد؛ بنابراین ارزشی برای آن جامعه نمی‌توان قائل شد؛ زیرا مختاربودن زنان، باعث به هم خوردن تعادل طبیعی نظم حاکم، مردسالاری، می‌شود. این ضرب‌المثل نیز مفهومی طنزآمیز دارد و به گونه‌ای نارضایتی فرهنگ مردسالار را در برابر تغییرات به وجود آمده در جامعه، نشان می‌دهد:

- چه پایبی که ز زینه کمتره

برگردان: چه مردی است که از زن کمتر است (همان، ۲۹۴).

ضرب‌المثل دیگری نشان می‌دهد که در فرهنگ بختیاری، مردان از نظر جایگاه اجتماعی برتر و بالاتر از زنان هستند و مردانی که لیاقت و شایستگی لازم را نداشته باشند، فرودست‌تر از زنان شمرده می‌شوند:

- ز زینه کمترم

برگردان: از زن کمتر هستم (همان، ۴۱۷).

براساس دیدگاه‌های مردسالارانه، زن جایگاه اجتماعی بسیار پایین‌تری از مرد در اجتماع دارد؛ بنابراین برای نشان‌دادن جایگاه اجتماعی پایین مردان، آن‌ها را با زنان می‌سنجند و بدین طریق جایگاه اجتماعی افراد را نشان می‌دهند. در این ضرب‌المثل زن آن‌اندازه فرودست شمرده می‌شود که مردان برای نشان‌دادن حتمیت و قطعیت خود در کار، می‌گویند اگر در اقدام به کار خود کوتاهی ورزم و آن را انجام ندهم، از زن کمتر هستم.

- زیننه نه ناز بکش نه گوش وس بگر

برگردان: نه ناز زن را بکش و نه به سخنش گوش بده (همان، ۴۳۳).

این ضرب‌المثل می‌گوید نباید مطیع زن بود. با توجه به اینکه در فرهنگ بختیاری، مرد جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به زنان دارد، مردان نباید در کارهای خود، به‌خصوص کارهایی که مربوط به حیطه عمومی و بیرون از خانه است، مطیع زنان باشند. کار زن مختص حیطه خصوصی و خانه است و سخن‌گفتن او از حیطه عمومی، سبب می‌شود او به حوزه‌های مردانه وارد شود. این امر مطلوب جامعه مردسالار نیست و به شکل‌های مختلف از جمله تحقیرکردن، سعی می‌شود تا جلوی آن گرفته شود. بنابراین همواره از مردان خواسته می‌شود اجازه ندهند زنانشان خلاف موازین مردسالارانه جامعه عمل کنند و ارزش‌های فرهنگ مردسالار را نادیده بگیرند. اینکه مردان مطیع زنان باشند و کارهای خود را براساس خواسته آن‌ها انجام دهند، بیانگر ورود زنان به حیطه‌های عمومی است؛ زیرا کار مرد در بیرون از خانه است و سخن‌شنوی از زنان، به معنی ورود زنان به این حیطه است؛ بنابراین مردان از طریق ضرب‌المثل‌ها، از این امر نهی شده‌اند.

- پیا نوا گوشگر زن بو

برگردان: مرد نباید مطیع زن باشد (همان، ۲۲۷).

در این مثل نیز از مردان خواسته شده است مطیع زنان نباشند. حرف‌شنوی از زن، امری نامطلوب جلوه داده شده است. این باور در فرهنگ بختیاری بدین صورت نهادینه می‌شود که زن جنس فرودست جامعه است و هر کس با او مشورت کند، هم‌ارزش با او شمرده می‌شود. این مفهوم نیز به شیوه‌های دیگر از جمله به شکل دعایی و طنزآمیز بیان شده است، چنان‌که گفته می‌شود:

- ذلیل زن مبای

برگردان: ذلیل زن نشوی (همان، ۳۹۲).

آن‌گونه که در ضرب‌المثل‌ها انعکاس یافته، سپردن کارهای مهم به دست زنان، کار ناشایستی شمرده شده است، بدین سبب تلاش می‌شود به گونه‌های مختلف از این امر اجتناب شود.

- اهلکاری پدره که مادر رهگذره

برگردان: اصل پدر است و مادر رهگذر است (صالح‌پور، ۱۳۸۵: ۳۳۰).

بنابر این مثل، اصالت و نژادگی یکی از ارزش‌های مهم در فرهنگ بختیاری است. داشتن اصالت سبب می‌شود تا فرد جایگاه اجتماعی بالایی داشته باشد. در فرهنگ بختیاری که خانواده‌ها پدرسالار و مردسالار هستند، اصالت از آن پدر است و پایگاه اجتماعی فرد با پدر سنجیده می‌شود تا مادر. بر این اساس در ضرب‌المثل‌ها پدر اهمیت دارد و مادر رهگذر خوانده می‌شود.

۲-۵. فرادستی زنان

در بعضی از ضرب‌المثل‌ها، زنان جایگاه بالایی دارند و حتی ارزش آن‌ها بیشتر از مردان دانسته شده و شخصیت مرد وابسته به آن‌ها توصیف شده است. در ضرب‌المثل‌های بختیاری، این جایگاه هنگامی به زن داده می‌شود که سخن از مسائل درون خانواده به میان آید. گویی این ویژگی مثبت را جامعه مردسالار به این دلیل به زنان داده است تا آن‌ها ترغیب شوند به کارهای درون خانه بپردازد. می‌توان گفت ارزش قائل‌شدن برای زنان، به معنای برهم‌زدن ارزش‌های حاکم بر جامعه مردسالار نیست؛ بلکه از این رو این جایگاه به زنان داده شده است تا قواعد حاکم بر جامعه مردسالار حفظ شود. مطابق معیارهای جامعه مردسالار، جای زن در خانه و پرداختن به کارهای درون خانه است. اگر زن این وظایف را انجام دهد، او نمونه یک زن خوب است و حتی برتر از مرد دانسته می‌شود. در این فرهنگ، زن باید به کارهایی مانند تربیت فرزندان بپردازد تا جایگاه اجتماعی همسرش را بالا ببرد.

- آستره که رینه اواداره

برگردان: آستر است که قسمت رویه را محکم نگه می‌دارد (قنبری، ۱۳۸۱: ۷۷).
مطابق این مثل ارزشمند بودن مرد به زن وابسته است و زنانند که سبب بالارفتن جایگاه اجتماعی مردان می‌شوند. در این مثل، آستر نمادی از شخصیت زن است و قسمت رویه مظهر مردان است که پایداری، شهرت و اقتدار قسمت رویه، یعنی مرد، به آستر، یعنی زن، نسبت داده شده است. مفهوم این ضرب‌المثل نشان می‌دهد اگر زن خوب باشد مرد می‌تواند رشد یابد و صاحب جایگاه و منزلت شود و چنانچه زن خوب نباشد، مرد، هرچند خوب باشد، به جایگاهی دست نخواهد یافت.

- حونه خو ز زینه

برگردان: خانه خوب از زن است (همان، ۳۲۴).

در این مثل بیان شده که اساس و قوام خانواده به بودن زن خوب در آن وابسته است. زن سبب سلامت و پایداری خانواده می‌شود. مرد در مسائل درون خانواده بختیاری در خوب یا بد بودن آن نقشی ندارد و تنها زن است که می‌تواند تأثیرگذار باشد. این ضرب‌المثل نیز نقش ترغیبی برای زنان دارد تا وظیفه خود را در خانه به بهترین شکل انجام دهند.

- دستم بشکنده بهدر ز پامه بوم بمیره بهتر از دامه

برگردان: بهتر است دستم بشکند نه پای، و پدرم بمیرد نه مادرم (همان، ۳۷۳).

در خانواده بختیاری، مادر بهتر از پدر در تربیت فرزندان و برطرف کردن نیازهای آنان مؤثر است. از مادر انتظار می‌رود به تربیت فرزندان پردازد و آنها را ناز و نوازش کند؛ از این رو، در این ضرب‌المثل جایگاه زن بالاتر از جایگاه مرد تصویر شده است.

۳-۵. برابری زن با مرد

در برخی از ضرب‌المثل‌ها نیز زن و مرد جایگاه برابر و مساوی دارند و این هنگامی است که از زندگی و مباحث عام آن، سخن گفته می‌شود:

- دنیا ز زینه و میره برقرار

برگردان: دنیا از زن و مرد برقرار است (همان، ۳۸۰).

در این مثل بیان شده که حضور زن و مرد با هم، برای ایجاد زندگی ضروری است و بدون این دو جنس، دنیا پایدار نخواهد ماند. زندگی در دنیا با حضور مشترک و مشارکت زن و مرد شیرین و برقرار است و نبودن یکی به معنی ازهم‌پاشیدن زندگی دنیوی است. در بین همه انسان‌ها از هر قشر و جنس و سنی، هم انسان خوب دیده می‌شود، هم انسان بد. بر این اساس گفته می‌شود:

- زن و مرد خو بد داره

برگردان: زن و مرد خوب و بد دارند (همان، ۳۸۰).

پیام مثل آن است که از نظر خوب و بد بودن، بین دو جنس تفاوتی نیست و در بین هر دوی آن‌ها، افراد خوب و بد یافت می‌شود.

- زینه و میره توه سرد و گرم

برگردان: زن و مرد مانند تابه سرد و گرم هستند (همان، ۴۳۴).

در این مثل، سخن از برابری جایگاه زنان و مردان در زندگی خانوادگی است و بیان شده برای داشتن خانواده‌ای سالم هم به زن نیاز است، هم به مرد و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد.

۶. صفت‌های زنان و مردان

بررسی صفت‌های نسبت‌داده شده به زنان و مردان، در هر جامعه‌ای اهمیت خاصی دارد؛ زیرا از طریق این صفت‌ها، می‌توان نگرش جامعه را نسبت به هر دو جنس شناخت. در ضرب‌المثل‌های بررسی شده، صفت‌های مثبت بیشتر به مردان نسبت داده شده است و از آن‌ها انتظار می‌رود نقش فعالی داشته باشند. از مردان خواسته می‌شود تا به کار بیرون از خانه بپردازند تا درون خانه. مرد نباید درون خانه بماند؛ بلکه باید در خارج از خانه به کار مشغول شود:

- پیا کرکی بدرد نی خوره

برگردان: مرد لانه‌ای ارزشی ندارد (همان، ۲۲۷).

مرد نه تنها نباید در خانه بماند؛ بلکه نباید با زنان هم‌نشینی کند تا خوی زنانه در او اثر نگذارد:

- پیا نوا زنونه بو

برگردان: مرد نباید زنانه باشد (همانجا).

وظیفه مردان شرکت در مجالس و امور اجتماعی است:

- پیا وا میلیسی بو

برگردان: مرد باید مجلسی باشد (همان، ۲۲۹).

از مردان انتظار می‌رود در حل مسائل و اختلافات اجتماعی شرکت کنند و به نزاع‌ها و خشونت‌ها پایان دهند.

- پیا وا تش کور کن بو

برگردان: مرد باید آتش خاموش‌کن باشد (همان، ۲۲۸).

همچنین از ویژگی‌های هر مرد این است که مشکلات به‌وجود آمده در اجتماع را حل کند:

- پیا وا کار ویک ون بو

مرد باید کار به‌هم‌انداز باشد (همانجا).

دانا و بخشنده‌بودن نیز از دیگر ویژگی‌هایی هستند که از مردان انتظار می‌رود:

- پیا وا دانا بو

برگردان: مرد باید دانا باشد.

- پیا وا دست‌ودل‌واز بو

برگردان: مرد باید دست‌ودل‌باز باشد (همانجا).

از این شمار ضرب‌المثل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت در فرهنگ بختیاری، اجتماع و حیطة عمومی، فضایی مردانه شمرده می‌شود و صفت‌های منسوب به مردان، صفاتی

مثبت است و انتظار می‌رود که مردان در حوزه اجتماعی و بیرون از خانه، نقش پررنگی داشته باشند.

درمقابل، صفتهای نسبت‌داده‌شده به زنان، منفی یا صفتهایی است که نسبت به مردان، کم‌ارزش‌تر شمرده می‌شود. از زنان انتظار می‌رود به کارهای درون خانه پردازند و انجام چنین کارهایی را به‌نحو مطلوب یاد بگیرند؛ همچنین در حیطه خصوصی بمانند و کاری به فعالیت اقتصادی و اجتماعی بیرون از خانه و حیطه عمومی نداشته باشند؛ همان‌گونه که در ضرب‌المثل زیر دیده می‌شود:

- مرد مرد کاره زینه زینه حونه

برگردان: مرد مرد کار است و زن زن خانه (همان، ۶۰۲).

در این ضرب‌المثل تقابل بین حیطه عمومی و خصوصی به بهترین شکل نشان داده شده است. مرد باید به کار بیرون پردازد و زن نیز کارهای درون خانه را انجام دهد؛ البته این امر خاص فرهنگ بختیاری نیست و تا پیش از آشنایی با اندیشه‌های مدرن و غربی، ویژگی فرهنگ ایرانی نیز شمرده می‌شد: «در کشوری مانند ایران گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در طی مدتی بالنسبه کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت» (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۲۰۵) و تا پیش از این، جایگاه زن در خانه و در پس پرده بوده است. در ضرب‌المثل‌های مورد بررسی، معمولاً دید مثبتی نسبت به کارهای بیرون از خانه زنان وجود ندارد. زنان با کارهای اقتصادی و اجتماعی آشنا نیستند؛ از این‌رو، درباره مردانی که دانش کافی برای انجام کاری ندارند، گفته می‌شود:

- چند یه زینه کار ندونه

برگردان: به اندازه یک زن کار نمی‌داند (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۸۹).

البته ناآگاهی زنان در انجام کار ریشه ذاتی ندارد؛ بلکه فرهنگ جامعه مردسالار آنان را به ماندن در خانه مجبور می‌کند. این مسئله سبب می‌شود تا زنان نتوانند مانند مردان با کارها آشنا شوند. همچنین در فرهنگ بختیاری نیز مانند دیگر فرهنگ‌های مردسالار،

برخی از کارها مختص زنان است و مردان بسیار کم به این کارها می‌پردازند تا زنانه جلوه نکنند:

- بتی سه کار به یکار کن او ون، چلفته چین، خش و وش کن برگردان: خاله‌ای که سه کار را با هم انجام می‌دهد: آب آوردن و هیزم جمع کردن و احوالپرسی کردن (همان، ۱۶۴).

این مثل دربارهٔ افرادی به کار می‌رود که می‌خواهند چند کار را با هم انجام دهند؛ اما کارهای منتسب به زنان را نیز می‌توان از آن فهمید. در فرهنگ بختیاری، آب آوردن و هیزم جمع کردن از کارهای مختص زنان است و دید مردان نسبت به آن‌ها منفی است. یکی از ویژگی‌های زن در جوامع سنتی و مردسالار، این است که زن به‌مثابهٔ کنیز شوهر است و نباید از گفتهٔ شوهرش سرپیچی کند. اخلاق زن فقط با میزان احترامش به شوهر سنجیده می‌شود (مقال، ۱۳۶۸: ۷۲). در این ضرب‌المثل‌ها نیز انتظاری که از زنان می‌رود، این است که باید مطیع شوهرانشان باشند:

- زینه و مطیع مرد بوهه

برگردان: زن باید مطیع شوهر باشد (قنبری، ۱۳۸۱: ۴۳۵).

از دیگر موضوع‌های مطرح در ضرب‌المثل‌ها، بحث تربیت فرزندان است. از زنان خواسته می‌شود در خانه بمانند و فرزندان را تربیت کنند. شایان ذکر است در جوامع سنتی، یکی از کارکردهای خانواده، آموزش و تربیت فرزندان است (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۰۲) و این وظیفه بیشتر بر عهدهٔ زنان است:

- تربیت بچه و دایه

برگردان: تربیت فرزند با مادر است (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۴۸).

صفت‌های مطلوبی به زنان نسبت داده شده است که آنان را در اجتماع بیشتر منفعل می‌کند؛ از جملهٔ این صفت‌های مطلوب نجابت، شرم و حیا است:

- زینه و نجیم و با شرم بوهه

برگردان: زن باید با نجابت و شرم باشه (همان، ۴۳۴).

جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری _____ حمید رضایی و همکار

در بیشتر فرهنگ‌ها، زنان جنسی احساساتی شناخته می‌شوند. در فرهنگ بختیاری نیز چنین است و صفتهایی مانند محبت و وفا را به زنان نسبت می‌دهند:

- دهدر وفاس بیشتر

برگردان: دختر وفایش بیشتر است (همان، ۳۸۷).

بیشتر صفتهای منفی را به زنان نسبت می‌دهند. شیطنت، مکر و فریب و ناقص‌العقل بودن صفتهای مختص زنان است:

- زن شیطونه

برگردان: زن شیطان است (همان، ۴۲۳).

در برخی از این مثل‌ها، زن جنسی به‌تصویر کشیده شده است که بهره‌هوشی پایینی دارد:

- جاهل علقس نوک سرس زینه هم علقس نوک پاس

برگردان: مرد جوان عقلش در فرق سرش است و زن در پاشنه پایش (همان، ۲۷۰).

در این ضرب‌المثل، جوانان هم مانند زنان، ناقص‌العقل توصیف شده‌اند؛ اما زنان از نظر داشتن عقل، در مرتبه‌ای پایین‌تر از جوانان قرار دارند.

طمع صفتی خاص زنان دانسته شده است:

- زنگل طمع کارن

برگردان: زن‌ها طمع‌کار هستند (همان، ۴۲۴).

این نگرش کلیشه‌ای جنسی که زن از پهلوی چپ مرد آفریده شده است، در این

مثل‌ها دیده می‌شود و بدین سبب کارهای ناپسند را به زنان نسبت می‌دهند:

- زینه ز پهلوی چپ، ز پهلوی چپ اورسته

برگردان: زن از پهلوی چپ است از پهلوی چپ برمی‌خیزد (همان، ۴۳۲).

سخن‌چینی، که از رذایل اخلاقی شمرده می‌شود، نیز به زنان نسبت داده شده است:

- چورویی کار زنگله

برگردان: غیبت و سخن‌چینی کار زنان است (همانجا).

در این مثل، به صورت غیرمستقیم از مردان خواسته می‌شود که غیبت نکنند؛ زیرا سخن‌چینی و غیبت، کاری زنانه است و کسی که بدین کار دست می‌زند، زنانه جلوه می‌کند. در بیشتر فرهنگ‌ها زن را جنس ضعیف دانسته‌اند و در فرهنگ بختیاری نیز این موضوع انعکاس یافته است:

- خان تو مونه بزَن مو ارم زینه شاه علیشانه ازَنم

برگردان: ای خان تو مرا بزَن من زن شاه علیشاه را می‌زنم (همان، ۳۲۹).

در این ضرب‌المثل، زن جنس ضعیف است و برای نشان‌دادن اقتدار و زورگویی، مرد قدرتمندتر و زن ضعیف‌تر دانسته شده است. یا در مثل:

- حونه خدانه که میهمون اگرس غر به زینه ازَنه

برگردان: صاحب‌خانه که مهمان برایش می‌آید با زنش دعوا می‌کند (همان، ۳۲۳).

زن ضعیف‌ترین شخص در خانواده است که هر گونه مشکلی پیش بیاید مرد با او دعوا می‌کند و مشکلات را از چشم او می‌بیند. همچنین زنان مظهر بی‌ثباتی و غیرقابل اطمینان بودن هستند:

- به حرف زن و افتو زمستون اطمینون نکن

برگردان: به حرف زن و آفتاب زمستان اطمینان نکن (همان، ۱۹۲).

پیام مثل این است که سخن زنان مانند آفتاب زمستان ناپایدار است و در نتیجه، با آنان نباید مشورت کرد. در بسیاری از ضرب‌المثل‌های بختیاری نه تنها صفات منفی به زنان نسبت داده می‌شود؛ بلکه برای کارهای ناشایست، از مثل‌هایی استفاده می‌شود که شخصیت محوری آن‌ها، زنان هستند یا اینکه براساس زندگی آن‌ها ساخته شده است.

- چی دهدر و دا خال کو

برگردان: مانند دختر و مادر خال‌کوب (همان، ۲۹۹).

این ضرب‌المثل درباره افرادی به کار می‌رود که در اندیشه خود و نزدیکانشان هستند و نیکی کردن به دیگران را فراموش می‌کنند. مادر خال‌کوب در این مثل، که نمادی از

جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری _____ حمید رضایی و همکار

انسان‌های بدذات و بدجنس است، شخصیتی است که از سادگی دختری استفاده می‌کند و بعد از ازدواج با پدرش، با بدذاتی به آزار و اذیت او می‌پردازد. برای مثال زدن در این زمینه منفی، بیشتر از شخصیت زنان استفاده می‌شود.

- زینه ز خیزی اوی سر میرنه اشکند

برگردان: زن از زناکاری برگشت سر شوهر را شکست (همانجا).

کاربرد این ضرب‌المثل در مواقعی است که فردی خود خطاکار است، اما قیافه‌ای حق‌به‌جانب می‌گیرد. در این مثل نیز شخصیت محوری و منفی، زن است. برای بیان موضوع حواس‌پرتی افراد نیز به داستان‌های زنان استناد می‌شود:

- جور زینه کر و کول

برگردان: مانند زن بچه بر پشت (همان، ۲۷۸).

همچنین درباره بی‌نظمی به خانه پیرزنان مثال زده می‌شود:

- حونه دالو زهرا یه قلس به صحرا

برگردان: خانه پیرزن زهرا نصفش به بیرون است (همان، ۳۲۴).

۷. خانواده و مسائل آن در ضرب‌المثل‌ها

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و «مرکب از افرادی است که براساس ازدواج خویشاوندی یا پذیرش فرزند به دور هم جمع می‌شوند. افراد خانواده عبارت‌اند از: زن و شوهر، والدین و فرزندان و برادران و گاهی خدمتکاران» (فرید، ۱۳۸۳: ۱۶۷). یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در ضرب‌المثل‌های بختیاری، موضوع ازدواج است. مشکلات ازدواج، ویژگی‌های مطلوب زوجین، توانایی‌های آن‌ها در اداره زندگی، از جمله مسائل مهم در این ضرب‌المثل‌هاست. مخارج سنگین ازدواج همواره مانعی بر سر راه افرادی بوده که می‌خواستند ازدواج کنند:

- زینه استیدن آسونه دینگلا دینگوس گرونه

برگردان: زن گرفتن ساده است، اما بشکن‌بشکنش گران است (قنبری، ۱۳۸۱: ۴۳۱).

پیام این ضرب‌المثل، آن است که ازدواج کردن ساده است؛ اما مخارج جانبی مانع ازدواج می‌شود. همچنین در مثل‌ها ویژگی‌های زن مطلوب برای ازدواج بیان شده است.

یکی از خصوصیات زن مطلوب، این است که بااصالت و مادرش کدبانو باشد:

- انار ز اناردون، انگیز ز رز رو دهدر شخص بستون که داس کیونو بو

برگردان: انار از اناردان و انگور را از رز بگیر و با دختر شخصی ازدواج بکن که

مادرش کدبانو باشد (همان، ۱۳۲).

شناخت، به‌خصوص شناخت خانواده زن، یکی از کارهای مهم پیش از ازدواج است که هر شخصی می‌بایست آن را در نظر بگیرد، برای نمونه در مثل زیر نیز از مردان خواسته شده است اول مادر دختر را خوب بشناسد و بعد با دختر ازدواج کند:

- دانه بوین، ددر بستون

برگردان: مادر را ببین بعد با دختر ازدواج کن (صالح‌پور اردشیر و زینت، ۱۳۸۵: ۸۶).

دختر متأثر از تربیت مادر و از نظر شخصیتی مانند اوست:

- ددر و دا ایبره گور و گا

برگردان: دختر هم‌رنگ مادرش، و گوساله مانند گاو می‌شود.

وظیفه دختران نیز تا پیش از ازدواج حفظ عفت و نجابت است؛ زیرا همین امر

موجب می‌شود آن‌ها زودتر ازدواج کنند:

- بشین چی شاه زنون بختت ایا ناگهون

برگردان: مانند شاه زنان بنشین، بختت ناگهان بازمی‌شود (قبری، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

آن‌گونه که در ضرب‌المثل‌ها نشان داده شده است، در فرهنگ بختیاری، داشتن

جهیزیه یکی از مزیت‌های مهم برای هر زنی است:

- ای ددومی نازت ور جهازت

ای خواهرم نازت به جهازت است (همان، ۱۵۰).

بنابراین از زن انتظار می‌رود که جهیزیه مناسب داشته باشد تا بتواند بعد از ازدواج

به خود افتخار کند و زندگی راحتی داشته باشد.

ضرب‌المثل‌های زیادی درباره‌ی وظایف زن در خانواده، در فرهنگ بختیاری وجود دارد، برای نمونه در مثل زیر:

- تیل که هایه نا، ز داس گفتره

جوجه که تخم گذاشت از مادرش بزرگ‌تر است (همان، ۲۶۸).

از زنان خواسته می‌شود بعد از ازدواج، رفتاری پخته از خود نشان دهند و به تمام مسائل زندگی اشراف داشته باشند تا زندگی آن‌ها با مشکل مواجه نشود. همچنین از زن خواسته می‌شود بعد از ازدواج به شوهر خود چندان نق نزند؛ زیرا سرزنش‌کردن و نق‌زدن، موجب ملالت و دلزدگی زندگی خانوادگی می‌شود:

- زینه غرغو آدمه ز زندیی سیر ایکنه

برگردان: زن نق‌تق‌کننده، سبب دل‌سردی انسان از زندگی می‌شود (همان، ۴۳۲).

کسب تجربه و یادگیری وظایف زن در نهاد خانواده، یکی دیگر از مفاهیم مطرح در ضرب‌المثل‌های بختیاری است، برای نمونه در مثل زیر از نوعروس خواسته می‌شود از تجربه‌های دیگران در زندگی مشترک استفاده کند و در این زمینه بی‌اطلاع نباشد:

- بگو در ار بهیگ نبیدی بهیگون مالم نبیدی

برگردان: بگو ای دختر اگر عروس نبودی عروس‌های دیگر را هم ندیدی (همان،

۱۸۱).

پیام این ضرب‌المثل، این است که زن باید بدانند در خانواده چه وظایفی بر عهده دارد و در این زمینه از تجربه‌های دیگران استفاده کند. ساختار خانواده تنوع گسترده‌ای دارد که یک شکل آن چندزنی است. در این نوع ازدواج، یک مرد با چند زن ازدواج می‌کند (کوئن، ۱۳۷۸: ۱۲۷). در این مثل‌ها، مهم‌ترین شکل خانواده تک‌همسری و شکل‌های مختلف چندزنی مذموم دانسته شده است، برای نمونه در ضرب‌المثل زیر امری نامطلوب توصیف شده است و با نامطلوب جلوه دادن آن، مردان از چندهمسرگزینی بر حذر داشته شده‌اند:

- اخوی او زینه پزی

برگردان: می‌خواهی آب زن بپزی (همان، ۸۵).

نتیجه‌گیری

با اینکه زن نقش مهمی در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قوم بختیاری دارد؛ اما در ضرب‌المثل‌ها، نقش زنان نادیده گرفته شده و مسائل دلخواه فرهنگ مردسالار انعکاس یافته است. در این ضرب‌المثل‌ها برای زنان در مقایسه با مردان، سه جایگاه در نظر گرفته شده است: جایگاه برابر، برتر و فرودست‌تر. وقتی سخن از مسائل کلی و عام بشری است، در بیشتر مواقع مقام زن با مرد برابر است. هنگامی که از مسائل اجتماعی سخن به میان می‌آید، مقام فرودستی برای زن در نظر گرفته می‌شود و از زنان خواسته می‌شود تا در خانه بمانند و مشارکتی در فعالیت‌های بیرون از خانه نداشته باشند. این موضوع برخاسته از نگرش‌های مردسالارانه است که جای زن را در خانه می‌داند و جای مرد را در بیرون از خانه؛ بنابراین می‌توان گفت ضرب‌المثل‌ها همچون ابزار و رسانه‌ای در خدمت اندیشه‌های مردسالار جامعه هستند و به نابرابری‌های جنسی دامن می‌زنند. زمانی برای زن مقامی بهتر از مرد در نظر گرفته شده است که زنان به کارهای درون خانه بپردازند و آنچه را از زن در جامعه مردسالار انتظار می‌رود، به‌خوبی انجام دهند.

صفت‌های به‌کاررفته برای زنان و مردان در ضرب‌المثل‌های بررسی‌شده، بیانگر نگاه مردسالار در آن‌هاست؛ چنان‌که صفت‌های منفی برای زنان به‌کار می‌رود و از شخصیت زن برای مثال‌زدن در کارهای منفی استفاده می‌شود. همچنین در این ضرب‌المثل‌ها، مسائل مهم خانواده انعکاس یافته است. هزینه‌های سنگین مهم‌ترین مانع ازدواج دانسته شده است؛ بهترین شکل خانواده، خانواده تک‌همسری است؛ بر موضوع شناخت پیش از ازدواج تأکید و از زن و مرد خواسته شده است که وظایف همسری را بیاموزند؛ از زنان انتظار می‌رود که با خود جهیزیه بیاورند و در طول زندگی چندان با شوهرشان بحث و جدل نداشته باشند.

منابع

- آبوت، پا ملا و کلر والاس (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. چ ۵. تهران: نشر نی.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*. ترجمه ثریا پاک‌نظر. چ ۱. تهران: فروردین.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵). *فمینیسم و دیدگاه‌ها (مجموعه مقالات)*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *مبانی فلسفی فمینیسم*. چ ۱. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۳). *فرهنگ عامه*. چ ۳. تهران: مه‌کامه.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل». *دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۱۰۹-۱۱۳.
- _____ (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۸. ش ۳۰. صص ۲۷-۵۲.
- رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۲). «تصویر زن در قصه‌های عامه فرهنگ بختیاری». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۵. ش ۲. صص ۲۳۹-۲۶۰.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). *تکنیک‌های خاص تحقیق*. تهران: شرکت سهامی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۲). *گرد شهر با چراغ در مبانی انسان‌شناسی*. تهران: عطار.
- زاهدی، کیوان و سمیه ایمانی (۱۳۹۱). «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیلی انتقادی گفتمان». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. ش ۷ (پیاپی ۶۵). صص ۸۱-۱۱۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۶). «فولکلورشناسی از روش تا معنی». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۱۰. صص ۹-۱۶.
- سبیلی، کریس (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه‌های فمینیستی، چستی فمینیسم*. ترجمه محمدرضا زمردی. چ ۱. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

- صالح پور، اردشیر و زینت صالح پور (۱۳۸۵). *فرهنگ زبانزدهای مشترک قوم لر*. تهران: نشر مؤلف.
- فرید، محمدصادق (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظام خویشاوندی*. تهران: پشتون.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۱). *امثال و حکم بختیاری*. ج ۱. شهرکرد: ایل.
- کوئن، بروس (۱۳۷۸). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
- محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۴، ش ۳. صص ۶۵-۸۳.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). *مقدمات جامعه‌شناسی*. تهران: دوران.
- معصومی، محسن و ویدا رحیمی‌نژاد (۱۳۹۱). «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی». *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سنندج*. س ۴، ش ۱۱. صص ۱۳۵-۱۵۸.
- مقال، محمود (۱۳۶۸). *روستای ما*. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: سروش.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.